

+ نگاهی به دو فیلم پر فروش جشنواره

چرا و چگونه جشنواره فجر

صبحانه با زرافه‌ها، شام با تمساح‌ها

شد. البته داستان این فیلم هم برپایه یک قمار، از طریق بازی که نگارنده هنوز هم اسم آن را نمی‌داند و نمی‌شناسد، بنا شده بود اما مثل فیلم قبلی هر چند دقیقه یک بار و در سکانس‌های مختلف این قضیه تکرار نمی‌شد. فیلم تمساح خونی تقریباً در ژانر کمدی اکشن قرار می‌گیرد که به نظر می‌آید مشابه آن را قبلاً در سینمای ایران نداشتیم. همان معدود آثاری که در این زمینه ساخته شدند نیز به هیچ وجه دارای چنین کیفیتی نبودند. در واقع تمساح خونی یک کمدی شرافتمندانه است که با کمی سختگیری شاید بشود فقط به یکی دو سکانس آن از نظر اخلاقی گیر داد. جواد عزتی در این فیلم فراتر از یک کارگردان کار اولی ظاهر شده است. این مورد هم می‌تواند به تجربه زیاد قبلی‌اش در سینما و کارکردن با کارگردان‌های مختلف برگردد و هم شناخت زیادش از بازیگران استفاده شده در این فیلم و توانایی‌هایشان که ناشی از همبازی بودن با آن‌ها در آثار مختلف بوده است. به طوری که شاید این بازیگران در حد بهترین کارهایشان ظاهر نشده‌اند ولی هیچ‌کدام ضعیف نیز نبوده‌اند.

در سال‌های اخیر جشنواره فیلم فجر معمولاً شاهد این بوده‌ایم که یک فیلم و کارگردان کم تجربه‌ای که خیلی رویش حساب باز نمی‌شده است بیاید با درو کردن جوایز پدیده جشنواره شود. اگرچه این تصور برای تمساح خونی کمی دور از انتظار است؛ چرا که نه ژانر و نه موضوعش مورد علاقه داوران جشنواره نیست، اما باز هم احتمالاً بتواند در حد خودش به موفقیت‌هایی برسد. خصوصاً اینکه برخلاف اکثر فیلم‌های کمدی، تمساح خونی حرف برای زدن نیز دارد.

خطر استفاده از جاذبه آن‌ها و نشان دادن به اصطلاح هول بودن شخصیت‌های مرد فیلم است (همان شوخی مبتذل که بالاتر هم اشاره شد). تکنیکی که (اگر بشود به آن گفت تکنیک) این کار را از سریال‌های سروش صحت تا حدودی متمایز می‌کند و احتمالاً مانند نمونه‌های دیگر کمدی برای افزایش فروش فیلم در سینما از آن استفاده شده است. هرچند که آتش در این فیلم چندان شور نشده ولی خب از سروش صحت همین حدش هم انتظار نمی‌رود. نکته دیگر اینکه مثل اکثر آثار سروش صحت در این فیلم هم قسمت زیادی از بار طنز غیر از متن بر روی دوش بازیگران است که ستاره‌های سینمای ایران توانسته‌اند از پس آن بر بیایند و به خوبی از مخاطب خنده بگیرند. البته هدف اینکه در اوج یک فیلم کمدی یک مرتبه یک خاطره تراژدی و تلخ را از زبان یکی از شخصیت‌های اصلی بشنویم هنوز متوجه نشدم. در آخر توصیه می‌کنم این فیلم را با خانواده نینید مگر اینکه قصد جدا شدن از همسران را داشته باشید!

● تمساح خونی، آماده حمله

چند سالی بود که حسرت می‌خوردم چرا جواد عزتی با ورود به دنیای سینمای درام از سینمای کمدی فاصله گرفته است و با هیچ کاری نکردن، استعدادش در آن بخش را دارد هدر می‌دهد. اما خب او ظاهراً منتظر چنین فرصتی بود تا برگ آتش را رو کند و نشان دهد که نه تنها در بازیگری که در کارگردانی کمدی هم تبحر دارد. همانطور که با رو کردن برگ آتش در فیلم باعث جلوگیری از داستان

برای همه جشنواره از اولین روز شروع می‌شه ولی خب برای من از سومین روز شروع شد! در واقع روز سوم جشنواره، روز اول من بود. در این روز به تماشای دو فیلمی نشستیم که در همان دقایق اول شروع بلیت‌فروشی، تقریباً همه بلیت‌هایشان فروش رفته بود و دستیابی به بلیتی از آن‌ها اصلاً ساده نبود؛ فیلم‌های صبحانه با زرافه‌ها و تمساح خونی.



سید محمد جواد عزتی با بازی در «تمساح خونی»

● صبحانه با زرافه‌ها، جنس غیر صحت

همان زمانی که احتمالاً همه ایران نشسته بودند به تماشای بازی ایران ژاپن، در سالن مشغول تماشای فیلمی بودم که در انتها متوجه نشدم کمدی فانتزی بود یا کمدی سیاه؛ شاید هم ملغمه‌ای بود از هر دوی این‌ها. اما چیزی را که به خوبی متوجه شدم این بود که صبحانه با زرافه‌ها از جنس سریال‌های سروش صحت نبود. از کارگردانی که همواره به عنوان یک چهره فرهنگی و فرهیخته شناخته می‌شده انتظار نمی‌رود که در فیلمش شوخی اروتیک، حتی به تعداد اندک، و مصرف مواد مخدر، به دفعات و کرات، ببینیم. هرچند نویسنده و کارگردان می‌توانند برای دومی بهانه بیاورند که داستان در بستر همین مورد روایت شده است و نمی‌توان آن را حذف کرد. اما مخاطب قطعاً از فردی مثل سروش صحت با سابقه‌ای که دارد؛ این را نمی‌پذیرد که او نتواند دلیل رخداد و مشکل اصلی پیش آمده در داستان را عوض کند. از نکات جالب توجه دیگر این فیلم، این است که هیچ شخصیت زن اصلی‌ای ندارد و در دو سکانسی که از زن استفاده شده به



امیرحسین آرمان در «سبز»

بهشت تبهکاران با پرده سبز

سبز این است که بازی بازیگران به خوبی به چشم می‌آید و با سختی‌های کار بازیگری بهتر آشنا می‌شوید. اما ممکن است همه این‌طور فکر نکنند و به اوج صحنه‌های احساسی داستان بختند.

قطعا هر زمانی که عوامل فیلم افتخار دهند و آن را کامل کنند، اثری قابل تأمل و جذاب برای مخاطبان در پرده سینما خواهد بود. شخصیت اصلی داستان را «امیرحسین آرمان» بازی می‌کند و تا حد زیادی بیننده را با خود و مخلصه‌ای که در آن گرفتار می‌شود، همراه می‌کند. اکثر بازیگران در این فیلم از پس نقش خود برآمده‌اند، حتی «رضا یزدانی» نیز یک بازی کم‌نقص از خود به نمایش گذاشته است. تنها بازیگری که در این فیلم نمی‌گنجد دختر آقای کارگردان یعنی «سحر جعفری جوزانی» است که یک انتخاب بهتر به جای او می‌توانست کیفیت فیلم را بالاتر ببرد.

در مجموع از اینکه چرا یک فیلم ناقص باید در جشنواره به نمایش گذاشته شود و در بخش رقابت باشد را نفهمیدیم، البته این موضوع بیشترین ضربه را به خود فیلم زده است. شاید حکمتی دارد!

بهشت تبهکاران فیلمی از مسعود جعفری جوزانی است؛ نویسنده و کارگردانی که همیشه سطح خود را در حد تیم ملی نگه داشته و سعی کرده آثار ماندگاری را در سینما و تلویزیون خلق کند. در این فیلم نیز مثل اکثر آثارش به سراغ یک داستان جذاب و مرموز از دل تاریخ معاصر رفته است. فیلم مربوط به سال ۱۳۳۹ است که حسن جعفری کارمند شرکت نفت انگلیس (چون هنوز نفت ملی نشده بود)، ناخواسته متهم به قتل احمد دهقان صاحب امتیاز روزنامه «تهران مصور» و مدیر تئاتر (نصر) می‌شود.

این فیلم که قرار بود سال گذشته در بخش مسابقه‌ی جشنواره فجر حضور داشته باشد و از آنجایی که نمی‌دانست لباس چی بپوشد، نرسیده بود؛ در حرکتی رونالدینیویی امسال ناقص و به نحوی عریان رسید و حسابی حاشیه ایجاد کرد که فضای جشنواره را گرم کند، بلکه وسط این برف سردش نشود. دیدن فیلم در سینما با پرده سبز و بدون اصلاح نور و رنگ و موسیقی از آن دست تجربه‌هایی است که به راحتی نمی‌توان طعم آن را چشید و باید خیلی خوش‌شانس باشید. البته از مزایای دیدن فیلم بدون تدوین و با پرده

